

بک ماجراجویی: تنگ رغر هیجان انگیز (قسمت دوم)



ارزو احمدزاده، راهنمای طبیعت‌گردی

در سفرنامه قبلی تا آنجایی خواندیم که بالاخره پس از ماجرای کارت ملی سعید وارد سالن انتظار فرودگاه شدیم و منتظر سوار شدن هواپیما و حالادامه ماجرا:

با کلی استرس وارد سالن انتظار شدیم و به دنبال تابلو اعلام پروازها بودیم. بر روی تابلو نوشته بود پرواز شیراز تاخیر دارد و ما نفس راحتی کشیدیم. از آنجاکه پروازهای داخلی بسیار دقیق و سر وقت انجام می‌شود! هواپیمای ما با دو ساعت تاخیر به سمت شیراز پرواز کرد. ساعت ده و نیم شب رسیدیم شیراز و با تاکسی به فسارقتیم. نیمه شب رسیدیم به منزل پدر سمیه و شام خوردیم. پیشنهاد می‌کنم هرگاه سفری به شیراز داشتید حتما کلم پلو شیرازی را امتحان کنید. این غذا خیلی خوشمزه است. بعد از شام کمی گپ زدیم و کوله‌ها و ابزارها را چک کردیم و خوابیدیم. فردا صبح زود به سمت داراب حرکت کردیم و ۶ صبح به روستا رسیدیم. یکی از همراهان با راننده نیشان هماهنگ کرده بود تا از روستا تا ابتدای مسیر تنگ رغر را بانیسان برویم. از نیشان که پیاده شدم سعی کردم همه چیز را فراموش کنم تا اسوده خیال و با فراغ بال وارد رغر شوم.

می‌دانستم که روز پر از شور و هیجان در پیش خواهم داشت پس بهتر آن بود که دلهره‌ها را کنار بگذارم و با تمرکز بیشتری برنامه را به سرانجام برسانم. بعد از یکساعت پیاده‌روی وارد تنگ رغر شدیم. جلیقه‌های نجات را پوشیدیم و کلاه ایمنی گذاشتیم. هارنس کوهنوردی پوشیدیم و ابزارهای فرود را بستیم و آماده شدیم. هارنس نوعی کمر بند است که برای ایمنی و حفاظت در ارتفاع طراحی شده است.

آبشارها و حوضچه‌های ابتدایی نیاز به فرود با طناب ندارد پس باید از بالای آبشار درون حوضچه بپرید.



آبشارها را یکی پس از دیگری پایین می‌آمدیم و محو زیبایی حوضچه‌های زلال شده بودیم. همه چیز واقعا هیجان انگیز بود. غوغای آب بود و فریادهایی که سرشار از خوشی بود. کمی قبل از آخرین آبشار نهار خوردیم. غذاهایی را که در بسته‌بندی گذاشته بودیم تا خیس نشوند. غذا که خوردیم انرژی گرفتیم و آماده شدیم رغر را تمام کنیم. حالا دیگر، چیزی نمانده بود که محال‌ترین محال زندگی‌ام حقیقت یابد. آبشار وداع آخرین و بلندترین آبشار تنگ رغر است. بالای آبشار نشسته بودیم و منتظر که نفر جلویی به سلامت به پایین برسد و ما هم آماده فرود شویم که یکی از همراهان گفت: «پسرت الان خونه مامانت نشسته داره میگه مامان کوووو؟؟» همین یک جمله کافی بود تا تمام ذهن مرا آشفته کند. پریشان شدن ذهن من همانا و قالب تهی کردن من همانا. دست‌هایم می‌لرزید و توان فرود آمدن نداشتم. نوبت به من که رسید. همسرم ابزار فرود و طناب را چک کرد. ابزار حمایت را از کارگاه باز کردم و دو قدم پایین رفتم. دوباره طناب را گرفتم و بالا آمدم و گفتم: «حسین من نمی‌تونم.» او سکوت کرد و چیزی نگفت. سرم را بر روی سنگی گذاشتم و تلاش کردم تمرکز کنم. یک دقیقه گذشت تا با خودم کنار آمدم. راهی بجز پایین رفتن نداشتم. باید می‌رفتم و رفتم. میانه‌های آبشار بوم که پایم سر خورد و روی طناب برگشتم. دستاتم دیگر توانی برای نگه داشتن طناب نداشتم. هیچ چیز نمی‌شنیدم جز صدای کسی که گفت: «ارزو من طنابتو دارم بیجا» صدای او انرژی مضاعفی به دست‌هایم داده شد. پایین رفتم و بالاخره رسیدم. فرود من در آبشار وداع به یادماندنی شد در ذهن همسرانم و هر بار که خاطره رغر را مرور می‌کنیم به جمله «حسین من نمی‌تونم» می‌رسیم. امسا، بالاخره من خواستم و توانستم.

زیبای امن و پرسود

نگاهی به کبوترخانه‌ها در ایران



بگاه‌دهدار، راهنمای گردشگری

کبوترخانه‌ها عموماً شخصی بوده، صاحبان آن‌ها افراد ثروتمندی بوده‌اند. این گردش مالی تا آنجا قابل توجه بوده که در زمان شاه عباس صفوی برای کبوترخانه‌ها قوانین مالیاتی سنگینی وضع شد.

سود چشمگیر این بناها افراد مختلف را در آن زمان به داشتن آن‌ها ترغیب کرده است. به نحوی که یکی دیگر از منافع اقتصادی این بناها خرید و فروش آن‌ها بود.

طراحی و عملکرد کبوترخانه‌ها بسیار جالب و عالمانه بوده به گونه‌ای که در جذب کبوتران و خلق زیستگاهی امن برای کبوتر، حیرت‌انگیز بوده است.

کبوترخانه‌ها در ایران

این بناهای پرفایده در بسیاری از مناطق ایران وجود دارند. در واقع در هر منطقه‌ای که کبوترهای صحرایی زیاد بودند، اقدام به ساخت این بناها می‌شده است. بسته به ظرفیت آن منطقه از حیث تعداد کبوترهایش، تعداد این بناها نیز متفاوت بوده است. از مناطقی که اکنون این بناها را می‌توان در آن‌ها مشاهده کرد، استان‌های اصفهان، یزد (به ویژه شهرستان میبد) و شهرستان خمین در استان مرکزی هستند. البته تراکم چشم‌گیر این بناها در استان اصفهان بوده است به نحوی که مورخین در دوره صفوی، سه‌هزار کبوترخانه را در استان اصفهان شمرده‌اند. به عنوان مثال روستای ولاشان که قریه‌ای کوچک بوده به تنهایی سی کبوترخانه داشته است. سهل‌انگاری و عدم مدیریت صحیح در مرمت و نگهداری این بناهای شگفت‌انگیز باعث شده که بیشترین آن‌ها از میان بروند و گاه جز مخروبه‌ای از آن‌ها چیزی باقی نمانده است. تا سال ۱۳۵۶ شمسی تنها ۷۱۵ مورد از آنها در اصفهان باقی مانده بود که این رقم در حال حاضر به ۳۰۰ عدد کاهش یافته که تنها ۷۰ مورد از آن‌ها ثبت شده و مورد توجه قرار گرفته‌اند.

اهمیت کبوترخانه‌ها از حیث شکل
کبوترخانه‌های ایرانی مورد توجه می‌شود؛ نظیر کبوترخانه‌های اسکاتلند که قدمت آن‌ها به قرن شانزدهم میلادی بر می‌گردد. البته کود کبوتر غیر از مصارف کشاورزی، مصارف صنعتی نیز داشته است. از کود کبوتر در صنعت دباغی (چرم‌سازی) و صنایع نظامی برای ساخت باروت استفاده می‌شد. این جایگاه ویژه در کشاورزی و صنعت، اهمیت اقتصادی ویژه‌ای برای این محصول به ارمان آورده بود. از آنجایی که مالکیت

وجود دارد. آن روز تیراز وسط باغ‌ها و آب‌ها و روستاهای زیبا که برج‌های کبوتر زیادی داشت به مسیر خود ادامه دادیم و پسین روز به اصفهان رسیدیم... علاوه بر این بطوطه در قرن‌های بعد نیز سیاحان بسیاری راجع به برج‌های کبوترخانه‌های اصفهان و یزد مطالب بسیاری نوشته‌اند؛ شاردن، جهانگرد فرانسوی می‌گوید: «به باور من، بهترین کبوترخانه‌های جهان در ایران ساخته می‌شود. این کبوترخانه‌های عظیم، شش بار بزرگ‌تر از بزرگ‌ترین پرورشگاه‌های پرندگان ماهستند.»

کبوترخانه‌ها در طول تاریخ

اصفهان، با مشاهده این سازه‌ها و با توجه به اینکه نگهداری کبوتر سرگرمی می‌دانسته، آنها را بی‌فایده می‌داند. ولی وقتی مشاورانش کار کرد و فواید این بناها را برایش تشریح می‌کنند از آن‌ها الگوبرداری کرده و به ساخت نمونه‌هایی از کبوترخانه در پایتخت کشور خود (سمرقند) اقدام کرد.

در زمان حمله افغان‌ها، تغییر کاربسی کبوترخانه‌ها موجب وارد شدن خسارات جدی به این بناها شد چون از آن‌ها به عنوان سنگر دفاعی در برابر مهاجمین استفاده می‌کردند. در زمان غازیان خان (مشهورترین پادشاه ایلخانی) در ضمن اقدامات حکومت برای احیای کشاورزی، دستور به حفظ کبوترخانه‌ها داده و برای این منظور قوانینی نیز تصویب شد.

ساختن کبوترخانه‌ها

کبوترخانه‌ها از حیث شکل ساختمان به دو دسته تقسیم می‌شوند. این بناها بر حسب اندازه‌ی ساختمان‌شان میان هزار تا چهل هزار کبوتر را در خود جای می‌دهند که برای این کبوتران به

داشته است. به این سوراخ‌ها تنپوشه می‌گفتند.

از نکات جالب در ساخت این کبوترخانه‌ها نحوه جلویی از تاثیر ارتفاعات بسیار قوی ناشی از پرواز ناگهانی هزاران کبوتر بر بنای ساختمان است. این کبوترخانه‌ها همواره یک استوانه بزرگ مرکزی داشته‌اند که با اتصالانی از جنس چوب یا آجر به یک یا چند استوانه کوچک‌تر خارجی متصل بوده است. منشاء پایداری و استحکام استوانه داخلی، اتصالش به همین استوانه‌های خارجی بوده است. این نوع کبوترخانه‌ها بیشترین تعداد را در میان انواع دیگر به خود اختصاص داده‌اند.

کبوترخانه‌های مکعبی

کبوترخانه‌ها مانند ساختمان‌های مسکونی دارای پلانی مربع یا مستطیل هستند، از تعداد بسیار کمتری نسبت به کبوترخانه‌های استوانه‌ای برخوردار هستند. در برخی مناطق مانند شهرستان خمین در استان مرکزی و شهرستان‌های شمال غرب استان اصفهان (گلپایگان خوانسار) تعداد اندکی از این کبوترخانه‌ها وجود دارد.

در کبوترخانه‌های مکعبی، برخلاف کبوترخانه‌های استوانه‌ای، راه ورود کبوترها از پشت بام نبوده و تنپوشه‌ها در بدنه ساختمان قرار داشته‌اند. از نکات جالب توجه این است که در بدنه خارجی و نزدیک تنپوشه‌ها چوب‌هایی تعبیه می‌شد تا کبوترها بر آن‌ها بنشینند و موجب سهولت و در ورود و خروجشان شود. در این نوع کبوترخانه‌ها با توجه به شکل ساختمان، ارتفاعات، کمترین روی ساختمان اثر داشته‌اند، برای جلوگیری از تاثیر ارتفاعات به نصب تیرهای چوبی در طول و عرض ساختمان بین دیوارها بسنده می‌کردند که کبوترها به منظور نشستن از این تیرها استقبال می‌کردند.

از دیگر نکاتی که در ساخت تمامی انواع کبوترخانه‌ها رعایت می‌شد، نزدیکی این بناها به آبگیرها، جوی‌های آب یا رودخانه‌ها بوده است. در آن دسته از کبوترخانه‌هایی که از منابع آب دور بوده‌اند به منظور تأمین آب شرب کبوترها اقدام به حفر چاه می‌کردند.

امنیت کبوترخانه‌ها

ایجاد زیستگاهی امن برای کبوترها در جذب آن‌ها بسیار اهمیت دارد پس ساختار کبوترخانه‌ها به نحوی بوده که مانند دژ نظامی در برابر دشمنان کبوترها از آسمان و زمین نفوذناپذیر و مقاوم بوده است. دقت در اجرای این برج‌های کبوتر به حدی بوده که درصداشتباه ورود پرندگان مزاحم را به صفر می‌رسانیده زیرا اگر حتی یک مورد پرنده یا حیوان

مهاجمی به درون این کبوترخانه راه می‌یافت، هیچ کبوتری احساس امنیت نمی‌کرد و کبوترخانه خالی از حضور کبوتران می‌شد. فضای داخلی کبوترخانه آن چنان امن و مفرح بود که گاهی محل تجمع حدود ۲۵ هزار کبوتر می‌شد.

آشیانه‌ها زیبا و منظم با مدول‌های یک شکل و از مصالح کاهگل ساخته می‌شد که در تابستان بسیار خنک و به گونه‌ای بوده که باد در فضای آن در حرکت بوده و برعکس در زمستان گرم و از وزش بادهای سرد محلی در امان می‌ماند.

قطر تنپوشه‌ها متناسب با اندازه کبوترها در نظر گرفته می‌شد، به نحوی که پرندگان شکری، جغدها و کلاغ‌ها که همه آن‌ها از کبوترها بزرگ‌تر هستند، امکان ورود به کبوترخانه را از این سوراخ‌ها نداشتند.

برای جلوگیری از نفوذ دشمن زمینی کبوترها یعنی مار به داخل برج نیز تمهیداتی اندیشیده شده بود. از دیواره برج یک یو دو نوار صیقلی از گچ را روی دیواره‌ی برج نصب می‌کردند. همچنین در وسط کبوترخانه، تشنی از شیر قرار می‌دادند و اطرافش را نیز آغشته به آهک می‌کردند. در صورتی که ماری به هر شکل وارد برج می‌شد از آنجایی که به شیر بسیار علاقه داشت، حتما به سمت شیر می‌رفت، از روی آهک‌ها عبور می‌کرد، تماس بدن مار با آهک سبب سنگینی‌اش می‌شد و نهایتاً مار در کف کبوترخانه زمین گیر می‌شد.

البته از بوی برخی گیاهان نیز برای راندن مارها استفاده می‌شد؛ مانند گیاه کندر و سداب. از مصالحی که در ساخت کبوترخانه استفاده می‌شد کاهگل بود که خود مانعی برای زاد و ولد حشرات موزی نظیر ساس و کنه است. امتیاز دیگر استفاده از کاهگل در دیوارها نیز عایق بودن آن است. کاهگل عایق حرارتی بسیار مناسبی است به این جهت که گرما و سرما از آن عبور نمی‌کند و بنایی که دیوارهای کاهگلی داشته باشد کمترین نوسانات دما را تجربه کرده و از این جهت فضای بسیار مناسبی برای زندگی کبوترها بوده است.

با توجه به قرار گرفتن تنپوشه‌ها و تیرهای محل نشستن کبوترها در بدنه کبوترخانه‌های مکعبی، احتمال حمله حیوانات شکارچی نظیر گرگ، کفتار، روبه‌ها و... و غافلگیر کردن کبوترها وجود داشته است. برای جلوگیری از این اتفاق، اقدام به قرار دادن سربریده یکی از این حیوانات در کبوترخانه می‌کردند.

حفاظت از این میراث گرانبها

کبوترخانه‌ها به لحاظ معماری بناهای خاص و زیبایی هستند که هر گردشگری حتماً باید از آن بازدید کند و شاهد زیبایی و عظمت بنا و همچنین هوش و ذکاوت پیشینیان ما شود. قدمت کبوترخانه‌هایی چون کبوترخانه میبد که به دوران قاجار برمی‌گردد بیانگر ارزش این بناها به لحاظ تاریخی نیز هستند. علاوه بر این همانطور که گفته شد این کبوترخانه‌ها مکانی پر سود و فایده برای صنایعی همچون کشاورزی هستند که حیفاً است در اثر گذر زمان علم و دانشی که پیشینیان ما کسب کردند مورد استفاده قرار نگیرد و همچنین این بناهای زیبا مرمت و حفاظت نشوند روه فراموشی بروند.

